



• در آمد

حجت الاسلام و المسلمین شیخ علی کورانی از اساتید لبنانی و سرشناس حوزه های علمیه نجف اشرف و قم می باشد که بیشتر عمر خود را در مبارزه با استبداد رژیم های حاکم بر جهان عرب گذرانده است. او از دیر باز مسئولیت حزب الدعوة اسلامی شاخه لبنان را بر عهده داشته که پس از حمله رژیم صهیونیستی به لبنان و در پی تصمیم محافل اسلامی این کشور به پایه گذاری حزب الله و مقاومت اسلامی، حزب الدعوة را منحل کرده است. آقای کورانی در گفت و گوی اختصاصی با شاهد یاران نقش شهید شیخ راغب حرب را در پایه گذاری نهضت نوین اسلامی لبنان تشریح کرده است:

■ نگرشی به پیوند شهید راغب حرب با نهضت جهانی اسلام در گفت و گوی اختصاصی

شاهد یاران با حجت الاسلام و المسلمین شیخ علی کورانی

شیخ شهید پایه گذار نهضت نوپای اسلامی لبنان بود...

کرد. در آن برهه بیشتر علما و روحانیون لبنانی امام خمینی (ره) را تأیید کردند. مرحوم شمس یا حرکت امام خمینی مخالفتی نداشت، اما از انقلاب اسلامی حمایت جدی به عمل نیاورد. در حالی که شیخ راغب حرب با انگیزه قوی از امام و انقلاب اسلامی حمایت کرد. در آن مرحله یک جریان گسترده از علمای شیعه و سنی لبنان و فلسطین به شدت از انقلاب اسلامی حمایت به عمل آوردند. بزرگترین تظاهراتی که در حمایت از انقلاب اسلامی ایران در بیروت به راه افتاد توسط علمای متعدد و آگاهی برنامه ریزی شده بود که شیخ راغب حرب یکی از آنان بود. این تظاهرات گسترده همزمان با تظاهرات روزهای تاسوعا و عاشورا در شهرهای ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی برگزار گردید. در آن زمان امام خمینی (ره) در پاریس اقامت داشت. بنابر این شهید راغب حرب انقلاب اسلامی و امام خمینی را کاملاً تأیید می کرد. پس از پیروزی انقلاب هم در مناسبت های مختلف به ایران می آمد، و در همایش های گوناگون شرکت می کرد. ایشان احساسات و هم فکری عجیبی نسبت به انقلاب اسلامی از خود بروز می داد. به طور مثال هر گاه به ایران می آمد برای رزمندگان جبهه های جنگ خون اهدا می کرد. همواره می گفت اگر می توانستم از بانک های دنیا وام دریافت کنم و به جمهوری اسلامی کمک نمایم کوثاهی نمی کردم. در دوران جنگ تحمیلی که جمهوری اسلامی در محاصره اقتصادی قرار داشت و رزمندگان در جبهه های جنگ با کمبود دارو مواجه بودند، سعی می کرد در لبنان دارو جمع آوری و به تهران ارسال کند. هنگامی که بیمار می شد از داروهای ساخت ایران استفاده می کرد. به اطرافیان خود می گفت: که داروهای ایران شفا بخش است. این نشان می دهد که شهید راغب حرب به جمهوری اسلامی ایران و امام خمینی عشق

می دانم به این نکته نیز اشاره کنم که شیخ ماهر حمود امام جمعه کنونی مسجد القدس در شهر صیدا یکی از دوستان صمیمی شهید راغب حرب بود. بنده در راهنمایی و سازندگی فکری ایشان نقش اساسی داشتم. هنگامی که برای تبلیغ به روستاهای جنوب می رفت، دستور کار و خطوط کلی تبلیغ را از من دریافت می کرد. اشاره کردید که شهید راغب حرب تحت تأثیر دیدگاهها

هر گاه شیخ الشهید به ایران می آمد برای رزمندگان جبهه های جنگ خون اهدا می کرد. همواره می گفت اگر می توانستم از بانک های دنیا وام دریافت کنم و به جمهوری اسلامی کمک نمایم کوثاهی نمی کردم

و اندیشه های مرحوم شمس الدین قرار داشت. ولی بر خلاف شمس الدین که یک شخصیت میانه رو واقع گرا بود، شهید راغب حرب یک چهره انقلابی از خود نشان داد و سرانجام به شهادت رسید...

منافاتی ندارد. شهید راغب حرب در زمینه فقه و اصول شاگرد مرحوم شیخ محمد مهدی شمس الدین بود و تا زمان شهادتش روابط صمیمانه ای با مرحوم شمس الدین داشت. اما از لحظه ای که نشانه های انقلاب اسلامی در ایران ظاهر شد و نام امام خمینی (ره) در صحنه مبارزه مطرح گردید، شهید راغب حرب از امام خمینی حمایت

گفته اید که مرحوم شیخ راغب حرب از شاگردان شما بوده است. در چه سالی با ایشان آشنا شدید و ویژگی های ایشان کدامند؟

خداوند شیخ راغب حرب را رحمت کند. ایشان یکی از شخصیت های ارزشمند و آگاه لبنان و از پایه های مردمی گسترده ای برخوردار بود. در اوایل دهه هفتم از قرن بیستم از زادگاه خود شهر جبشیت به بیروت هجرت کرد تا در حوزه های علمیه این شهر علوم اسلامی را فرا گیرد. او ابتدا در حوزه علمیه سید محمد حسین فضل الله درس خواند، سپس به حوزه علمیه مرحوم شیخ محمد مهدی شمس الدین انتقال یافت. شیخ راغب حرب مردی مهربان و واقع گرا بود. از نظر فقهی می توان ایشان را یکی از شاگردان برجسته شیخ محمد مهدی شمس الدین دانست چرا که پیوستگی تحصیلی و فکری شهید حرب با مرحوم شمس الدین قوی تر از سایر علمای وقت لبنان بود. ایشان ضمن اقامت در بیروت، همواره به جبشیت رفت و آمد داشت و مردم را ارشاد می کرد. رفتار و کردار شیخ راغب حرب به رفتار پدرش شباهت داشت. شخصیت پدر و فرزند مشابه یکدیگر بود. معمولاً مردم جنوب لبنان، مردمی ساده و فروتن هستند.

در چه سالی با شیخ راغب حرب آشنا شدید؟ حدود اوایل دهه هفتم از قرن گذشته میلادی با ایشان آشنا شدم.

در حوزه علمیه نجف اشرف یا در بیروت؟ در شهر بیروت با یکدیگر آشنا شدیم. پس از آغاز جنگ های داخلی لبنان در آوریل ۱۹۷۵ هر دو به شهر صیدا در جنوب لبنان انتقال یافتیم. شیخ راغب حرب و تعداد دیگری از طلاب و روحانیون شیعه و سنی لبنان در درس تفسیر قرآن بنده شرکت می کردند. در این گفت و گو لازم



شهادت رسید. اصولاً تلاش برای شکل‌گیری گروه‌های مقاومت در آن مرحله تازه آغاز شده بود. گروه‌های مقاومت با کمک ایران تأسیس شدند. نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران به لبنان آمد و گروه‌های مقاومت ضد صهیونیستی را سازماندهی کردند. شیخ راضی که خداوند ایشان را رحمت کند، در جو سازماندهی و شکل‌گیری گروه‌های مقاومت قرار داشت، اما در این تلاش‌ها حضور فعال و قوی نداشت.

آیا با مقام‌های سایر جنبش اسلامی همکاری داشت؟

آری، با نهضت نوپای اسلامی لبنان همکاری فرهنگی و سیاسی داشت. با این نهضت همفکری می‌کرد. برخی رهبران جنبش‌های اسلامی منطقه نیز با او دیدار و رایزنی می‌کردند. موضع صریح ایشان در مخالفت با اشغالگران و حضور یهودیان در لبنان روشن است. ایشان هرگز حاضر نشد به افسر اسرائیلی دست دهد. این موضع شهید راضی روشن و شناخته شده است.

انگیزه شیخ راضی برای تحصیل علوم حوزوی چه بود؟

خاندان حزب از خانواده‌های متدین جنوب لبنان هستند. بسیاری از این خانواده‌ها علاقه دارند فرزندان‌شان را به حوزه‌های علمیه اعزام نمایند تا علوم و معارف اسلامی را قضا بگیرند. شیخ راضی در دهه‌های گذشته دیدگاه برخی حوزه‌های علمیه پیوست. در دهه‌های گذشته دیدگاه برخی از اقشار مردم لبنان نسبت به مسائل دینی منفی بوده است. اما در سال‌های اخیر مردم به دین‌گرایی پیدا کرده‌اند. در دهه‌های گذشته زنان لبنانی با حجاب سروکار نداشتند. اما امروزه ظهور زنان محجبه در لبنان چشمگیر شده است. اصولاً ماهیت مردم جنوب لبنان، اسلامی و دینی است. اکثریت مردم مسائل دینی را رعایت می‌کنند. فرزندان‌شان را به حوزه‌های علمیه نجف اشرف و قم اعزام می‌کنند.

هنگامی که شیخ راضی در حزب وارد نجف شد، حوزه علمیه شهید سید محمد باقر صدر را انتخاب کرد. بفرمایید اصولاً طلاب لبنانی حوزه علمیه نجف اشرف به کدام یک از مکاتب فکری حوزه گرایش داشتند؟
حوزه علمیه نجف اشرف این‌طور که فکر می‌کنید نیست. طلاب لبنانی حوزه علمیه نجف اشرف همگی در سایه عنایت مرجعیت آیت الله خویی و در حوزه‌های گوناگون علمی تحصیل می‌کردند. آن روزها مکتب آیت الله صدر خط و مشی و موقعیت مشخصی نداشت. برخی از طلاب لبنانی به اندیشه‌های شهید صدر گرایش داشتند. برخی دیگر هم به سایر مراجع حوزه گرایش داشتند. در این میان شیخ راضی در حزب به اندیشه‌ها و دیدگاه‌های شهید صدر گرایش داشت. نمی‌توان گفت که این مکاتب در مقابل هم قرار داشتند. شهید صدر شخصاً اعلام کرده بود که هر چه دارد از آیت الله خویی دارد. وجود خود را مدیون آیت الله خویی می‌دانست. هرگز دوگانگی وجود نداشت.

شهید صدر بر خلاف سایر مراجع حوزه علمیه نجف یکی از بنیانگذاران جنبش اسلامی عراق به شمار می‌آید؟

اشکالی ندارد، این به معنی دوگانگی در عملکرد حوزه نجف اشرف نمی‌باشد. البته طرز تفکرها و سلیقه‌های متعددی وجود داشت، اما در عین حال ناشناخته مانده بود.

می‌ورزید. مسلمانان صادق و اصیل اینگونه هستند. افراد مخلص و فداکار که دین اسلام را یاری می‌کنند اینگونه هستند. شیخ راضی در حزب انقلاب اسلامی را نهایت آرزوها و اهداف خود می‌دانست.

پس از اشغال لبنان توسط رژیم صهیونیستی شهید راضی در چه نقشی داشت؟

پس از حمله اسرائیل به لبنان، مقاومت مردمی قوی و چشمگیری وجود نداشت. گاهی مقاومت‌های پراکنده و انفرادی بر ضد اشغالگران صورت می‌گرفت. آن روزها هیچ کس جرأت تصمیم‌گیری برای آغاز عملیات مسلحانه ضد رژیم صهیونیستی را نداشت. به یاد دارم پس از اشغال جنوب لبنان من و آقای شمخانی به منطقه بعلبک رفتیم. آنجا ملاحظه کردیم که مردم پرچم‌های سفید روی بام

شیخ الشهید در دوران جنگ تحمیلی که ایران در محاصره اقتصادی قرار داشت و رزمندگان با کمبود دارو مواجه بودند، از لبنان دارو به تهران ارسال می‌کرد. هرگاه بیمار می‌شد از داروهای ساخت ایران استفاده می‌کرد و داروهای ساخت ایران را شفا بخش می‌دانست.

خانه‌های خود برافراشته‌اند.

اسرائیل که تصمیم نداشت به شهر بعلبک حمله کند؟
همه مردم جنوب و دشت بقاع در برابر اشغالگران پرچم سفید برافراشتند. مگر در آن برهه کسی جرأت داشت نفس بکشد. علی شمخانی در واکنش به این موضع سازشکارانه مردم گفت ما از لبنانی‌ها می‌خواهیم پرچم‌های سرخ برافرازند نه پرچم‌های سفید. جو عمومی در آن مرحله نشان می‌داد که مردم یکپارچه تسلیم شده‌اند. عملیات مقاومت به صورت انفرادی صورت می‌گرفت. عملیات پراکنده بر ضد اشغالگران در منطقه خلسه در جنوب بیروت و برخی محوره‌های جنوب لبنان توسط برخی انقلابیون انجام گرفت، اما مقاومت همگانی در آغاز یورش اسرائیلی‌ها وجود نداشت. در آن مرحله شیخ راضی در حزب، به عنوان یک روحانی فعال در منطقه نبیطه در جنوب لبنان مردم را به مخالفت با هرگونه همکاری با اشغالگران فرا می‌خواند. در شهر صیدا در جنوب لبنان نیز برادران فعال اهل تسنن نیز بر ضد اشغالگران صهیونیست مبارزه می‌کردند. در شهر بیروت پایتخت لبنان برخی افراد وابسته به جنبش‌های ملی و روحانیون مسلمان، مبارزه را بر عهده داشتند.

آرشیو و میراث فرهنگی شهید راضی در حزب نشان می‌دهد که ایشان با سخنرانی‌ها و خطبه‌های نماز جمعه توانست وضع موجود را دگرگون کند. این دگرگونی تا چه اندازه کارآمد بود؟

آری ایشان مردم جنوب را برای مبارزه با اشغالگران تشویق می‌کرد. اما به یاد ندارم که ایشان در عملیات مسلحانه ضد صهیونیستی شرکت کرده باشد. (اسرائیل در سال ۱۹۸۲ لبنان را اشغال کرد و شیخ راضی در سال شهادت ۱۹۸۴ به شهادت رسید. بنابراین ایشان حدود دو سال در سایه اشغالگران زندگی کرد).

ایشان جان خود را در راه آزادی میهن از دست داد؟ درست است. اشغالگران ایشان را چند ماه بازداشت و شکنجه کردند. ایشان سرانجام توسط مزدوران محلی به

همه مراجع در زمینه تلاش برای گسترش آگاهی عمومی اتفاق نظر داشتند.

آیا شیخ راضی در حوزه شهید صدر هم تحصیل کرد؟
دقیقاً اطلاع ندارم. زیرا زمانی که ایشان وارد حوزه علمیه نجف اشرف شد من در کویت زندگی می‌کردم. زمانی هم که در حوزه علمیه مرحوم شیخ محمد مهدی شمس الدین تحصیل می‌کرد کم سن و سال بود. آن زمان سن شهید سید عباس موسوی از سن شیخ راضی در حزب بیشتر بود و از نظر علمی هم جلوتر بود. سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله نیز یکی از شاگردان سید عباس موسوی در حوزه شهید صدر درس می‌خواند. زمانی که صدام حوزه نجف اشرف را تحت فشار قرار داد و طلاب خارجی را از عراق اخراج کرد، طلاب لبنانی هم به کشورشان بازگشتند.

روحانیون یاد شده تا چه سطحی در حوزه علمیه نجف درس خواندند؟

گمان کنم در سطح کفایه الاصول رسیده بودند. تا آن روز در سطح درس بحث خارج فقه حوزه‌های علمی آیت الله خویی و شهید صدر نرسیده بودند. شیخ راضی در حزب هم هنگامی که در اواخر دهه هفتم از قرن گذشته به لبنان بازگشتت دروس مکاتب و رسال را در حوزه علمیه مرحوم شمس الدین آغاز کرد.

شیخ راضی در حزب با شما در بیروت دیدار و گفتگو می‌کرد. در این دیدارها درباره چه مسائلی بحث می‌کردید؟

در آن زمان مسئولیت سازمان حزب الدعوة اسلامی شاخه لبنان را بر عهده داشتیم. پس از حمله اسرائیل به لبنان سازمان حزب الدعوة را منحل کردم و در پی این اقدام حزب الله تأسیس شد. شیخ راضی در فضای حزب الدعوة قرار داشت و با رهبران آن همفکری می‌کرد. ولی از نظر ساختار فکری و اعتقادی از گرایش انقلابی حمایت می‌کرد، اما دقیقاً مطمئن نیستم که به سازمان حزب الدعوة پیوسته بود یا نه. روزی با آقایان شیخ محمد مهدی شمس الدین و سید محمد حسین فضل الله به توافق رسیدم که عضویت در برخی شوراهای کمیته‌های حزب الدعوة را بپذیرند. البته این توافق تا مدتها سری مانده بود. شیخ راضی در حزب از پیوستن نامبردگان به حزب الدعوة آگاهی نداشت. اما او از طلاب نیک‌نام و فاضل و فعال و پر تحرک لبنان بود.

آیا تلاشی برای پیوستن شیخ راضی در حزب به حزب الدعوة به عمل آوردید؟

ایشان را فقط در فضای فکری و فعالیت‌های حزب الدعوة قرار می‌دادم.

یعنی عضو ناپیوسته و غیر تشکیلاتی؟

افتاد. امام صدر در سایه تضادها و اختلافات فیما بین دولست های عرب با این دولت‌های ضد و نقیض روابط دوستانه داشت. در عین حال در داخل لبنان هم با سران طوایف و احزاب متخاصم روابط برقرار کرده بود. ایشان به منظور بهبود اوضاع شیعیان مؤسسات و مراکز آموزشی و تربیتی گسترده تأسیس کرد. به منظور ارتقای کیفی فرهنگ شیعیان دکتر مصطفی چمران را به لبنان فراخواند. اما دیری نپایید که موضوع تأسیس جنبش امل مطرح شد. در نتیجه همکاری شهید چمران با امام صدر ایشان، به حمایت از امام خمینی گرایش پیدا کرد. امام صدر روزی این نکته را به من گفت که در یکی از مسافرت‌هایش به ایران، شاه از ایشان تقاضا کرد میان او و مراجع تقلید میانجی‌گری کند. اما امام صدر در سال‌های آخر حضورش در لبنان به امام خمینی گرایش یافت و از برنامه‌های آگاهی بخش دکتر

رهبران جماعت اسلامی شاخه لبنانی سازمان اخوان المسلمین ایشان را برای ایراد سخنرانی دعوت می کردند.

روابط شهید راغب حرب با امام موسی صدر چگونه بود؟

روابطشان خیلی خوب بود، اما امام موسی صدر هیچ مسئولیتی به شهید راغب واگذار نکرد.

با جنبش امل هم همکاری داشت؟

در آن برهه مردم لبنان از امام موسی صدر طرفداری می کردند و شهید راغب حرب در این فضا قرار داشت. ایشان در جنبش امل و سایر احزاب و جنبش‌های اسلامی لبنان عضویت

نداشت. در ابتدا روابط ایشان با جنبش امل خوب بود، اما دیری نپایید که با رهبری جنبش امل در منطقه نبطیه به شدت درگیر شد. زیرا شهید راغب حرب پرچم مقاومت بر ضد اشغالگران اسرائیلی را برافراشته بود در حالی که رهبری جنبش امل در آن مرحله با این رویکرد مخالفت می کرد.

گفته شده که شهید راغب حرب برای برپایی حکومت اسلامی در لبنان و سایر کشورهای منطقه تبلیغ می کرده است. این رفتار تا چه اندازه واقعیت دارد؟

شکی نیست که راهکار و دیدگاه حزب الدعوه این گونه بوده است. همه وابستگان به حزب الدعوه و احزاب اسلامی از این ایده حمایت می کردند. برپایی حکومت جهانی اسلام در کشورهای منطقه آرزوی دیرینه بسیاری از رهبران جنبش‌های اسلامی منطقه بود. شهید راغب حرب نیز اینگونه فکر می کرده است. این ایده را ابتدا رهبری سازمان اخوان المسلمین در مصر مطرح کرد.

اوضاع اسلامگرایان لبنان همچون فعالان حزب الدعوه و جنبش امام موسی صدر در مرحله قبل از پیروزی انقلاب اسلامی چگونه بوده است؟

امام موسی صدر به منظور تحقق خواسته‌ها و اهداف شیعیان محروم لبنان به فعالیت‌های سیاسی گسترده دست زده بود. امام صدر در چارچوب این فعالیت‌ها با طوایف مسیحی و احزاب سیاسی لبنان روابط گسترده داشت. او همچنین با برخی دولت‌های پیشرو و در عین حال با دولت‌های مرتجع عرب روابط برقرار کرده بود. در نتیجه این روابط متضاد و معادلات ناهمگون میان دولت‌های عرب حادثه ناپدید شدن و سپس کشته شدن ایشان اتفاق



خدا رحمت کند شهید راغب حرب را... در حزب الدعوه عضویت نداشت. اما به هر حال ایشان را از خود می دانستم و برخی کارها و فعالیت‌های حزبی را به ایشان واگذار می کردم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، هواداران حزب بعث طرفدار صدام در لبنان فعال شدند و در برابر طرفداران انقلاب اسلامی به ستیزه جویی برخاستند. در این میان هواداران انقلاب اسلامی ستیزه جویی با عوامل حزب بعث شاخه عراق را آغاز کردند. شهید راغب در این ستیزه جویی حضور فعال داشت. حزب بعث در آن مرحله یکی از احزاب قدرتمند لبنان به شمار می رفت و روزنامه «بیروت» ارگان این حزب بود. حزب بعث در سرتاسر لبنان مراکز سازمانی و اطلاع رسانی و افراد شبه نظامی در اختیار داشت.

آیا احزاب سیاسی دیگری معترض هواداران انقلاب اسلامی می شدند؟

در لبنان پرچم دشمنی با انقلاب اسلامی را طرفداران حزب بعث در دست داشتند. یک گروه فلسطینی به نام «جبهه آزادی بخش عربی» با حزب بعث همکاری می کرد. اصولاً این گروه توسط رژیم صدام تشکیل شده بود. سمیر جعجع فرمانده شبه نظامیان موسوم به نام «القوات اللبنانیة» شاخه نظامی حزب فالانژ با رژیم صدام همکاری می کرد. این گروه‌ها با اسلامگرایان دشمنی سرسختانه داشتند. اما به رغم این دشمنی‌ها، بیشتر مردم لبنان از انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی (ره) طرفداری می کردند.

از سایر فعالیت‌های شهید راغب حرب چه اطلاعی دارید؟

شهید راغب حرب علاوه بر فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی برای رفع محرومیت از شیعیان جنوب لبنان نیز تلاش می کرد، ایشان یکی از چهره‌های فعال و ممتاز در عرصه پیکار سیاسی و اجتماعی جنوب لبنان به شمار می رفت، اما امکانات ایشان بسیار محدود بود. مهم‌ترین دستاوردهای ایشان ساخت مسجد و حسینیه شهر جبشیت بود. در ساخت آسایشگاه خیریه حضرت زینب (س) برای ایام جنوب لبنان مشارکت داشت. فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی مرحوم شهید راغب حرب در جنوب لبنان فراوانند. اما آنگونه که برخی افراد وانمود می کنند نبوده است. اکنون برخی افراد ادعا می کنند که شهید شیخ راغب حرب یک انسان نابغه و فیلسوف و اندیشمند بوده است. این شیوه قلم فرسایی به جایگاه شهیدان آسیب می رساند. شهید راغب یک انسان فعال، وارسته و مجاهد بود. مخلصانه از انقلاب اسلامی و امام خمینی به دفاع برخاست. تا حدودی تحت تأثیر اندیشه‌ها و راهکارهای حزب الدعوه قرار داشت از میان علمای لبنان، مرحوم شیخ محمد مهدی شمس الدین را الگوی خود قرار داده بود. از نظر عمل با رهبری حزب الدعوه همکاری می کرد، ولی از نظر فکری و تحصیلات حوزوی در کنار مرحوم شمس الدین قرار داشت. گاهی

پس از حمله اسرائیل به لبنان، سازمان حزب الدعوه را منحل کردم و در پی این اقدام حزب الله تأسیس شد. شهید راغب حرب در فضای حزب الدعوه قرار داشت و با رهبران آن همکاری می کرد. ولی از نظر ساختار فکری و اعتقادی از گرایشات انقلابی حمایت می کرد.

علی شریعتی ستایش به عمل می آورد. در آن مرحله جریانات سکولار و لائیک در فضای سیاسی لبنان حاکمیت داشتند، اما جریانات فعال در جامعه مسلمانان، از سازمان اخوان المسلمین طرفداری می کردند. جنبش‌های مبارز فلسطینی نیز گرایشات سکولار و لائیک داشتند. تعداد افراد متدین در جنبش مقاومت فلسطین اندک بود. فلسطینی‌های متدین اغلب در اردن سکونت داشتند، و نه در لبنان. گروه‌های سلفی که در سال‌های اخیر در صحنه سیاسی لبنان فعال شده‌اند اکنون می‌کوشند دیدگاه‌های خود را تحمیل کنند. سلفی گرایان در دهه‌های گذشته در مسائل سیاسی دخالت نمی کردند. فعالیت‌شان به ارائه کمک‌های مالی به سازمان اخوان المسلمین محدود بود. منبع اصلی این کمک‌ها از عربستان سعودی تأمین می‌شود. از میان جامعه اهل تسنن لبنان برخی روحانیون



یکی از سخنان خود مردم شیعه و سنی عراق را این گونه خطاب کرد: «شما برادران عراقی من، فرزندان علی بن ابی طالب (ع) و فرزندان عمر فاروق هستید». این سخن نشان می‌دهد که روابط میان حزب الدعوة شیعی و احزاب سنی در جهان اسلام بر مبنای دیدگاه‌های شهید صدر برقرار بوده است. بنیانگذاران حزب الدعوة هرگز راضی نشدند به این حزب هویت و ماهیت فرقه‌ای ببخشند. بنده چند بار درباره هویت مذهبی حزب الدعوة با مرحوم شهید صدر و برخی رهبران حزب بحث و مناظره کرده‌ام. آنان می‌کوشیدند بنده را متقاعد کنند که نباید خود را پیرو مذهب خاصی معرفی کنم. آنان می‌گفتند حزب الدعوة یک حزب فراگیر اسلامی است. درهای آن به سوی پیروان همه مذاهب اسلامی باز می‌باشد.

صدام توانست میان پیروان مذاهب تشیع و اهل تسنن عراق دودستگی ایجاد کند. این دودستگی چه تأثیری بر روابط و پیوندهای اجتماعی عراق بر جای گذاشته است؟

صدام یک فرد فرقه‌گرا و تفرقه‌انداز بود. شیعیان را به خاطر عقایدشان به قتل می‌رساند. صدام با گلوله و شمشیر میان شیعیان و اهل سنت جدایی انداخت. یکی از برادران اهل سنت که به آیین تشیع گرویده چنین می‌گوید: «مأموران صدام و فرزندش عدی ۷ سال قبل از سرنگونی رژیم صدام مرا به شدت تحت فشار قرار داده بودند. در نتیجه این فشارها ناچار شدم از عراق فرار کنم. پناهندگان شیعه که در خارج از عراق به سر می‌بردند از هم‌وطنان شیعه خود به گرمی استقبال و نیازهای آنان را برطرف می‌کردند. در خارج عراق من تنها بودم و هیچ کسی به من کمک نمی‌کرد. من تنها شهروند سنی بودم که از دست رژیم صدام فرار کردم و پناهندگان شیعه به گرمی از من پذیرایی کردند».

شهید رابعی‌حرب به دست چه کسی به شهادت رسید؟ آیا اسرائیلی‌ها به طور مستقیم او را شهید کردند یا به دست مزدوران‌شان به شهادت رسید؟

مطمئن نیستم که اسرائیلی‌ها شهید رابعی‌حرب را ترور کرده باشند. اکنون جای این سوال باقی است که آیا اسرائیل برای ترور ایشان تصمیم نهایی گرفته بود یا نه؟ شاید توسط مزدوران محلی لبنانی به شهادت رسید. همچنین امکان دارد یک جریان لبنانی شیخ رابعی‌حرب را شهید کرده باشد. همچنین این احتمال وجود دارد که برخی جریانات لبنانی که در آن مرحله با موساد همکاری داشتند مجری این ترور ناجوانمردانه بوده‌اند. به هر حال ایشان در راه آرمان خود به شهادت رسید. ■



آیا حزب الدعوة تحت تأثیر افکار و اندیشه‌های شهید سید قطب و حسن البنا و سایر اندیشمندان اخوان المسلمین قرار گرفته بود؟

من تأکید می‌کنم که حزب الدعوة از نظر فکری تحت تأثیر اندیشه‌های اخوان المسلمین، و از نظر تحلیل سیاسی مسائل جهان اسلام تحت تأثیر حزب التحریر و از نظر ساختار سازمانی و تشکیلاتی تحت تأثیر حزب کمونیست قرار دارد. چرا که ساختار سازمانی و تشکیلاتی حزب کمونیست بسیار عالی است.

حزب الدعوة از نظر فرهنگی و عقیدتی تحت تأثیر چه جریانی قرار دارد؟

حزب الدعوة از نظر فرهنگی و عقیدتی تحت تأثیر سازمان اخوان المسلمین قرار دارد. اما ساختار تشکیلاتی آن دقیقاً به ساختار حزب کمونیست شباهت دارد.

روابط حزب الدعوة و حزب التحریر چگونه بوده است؟

بسیار عالی بوده است. برخی از رهبران حزب الدعوة سابقاً در حزب التحریر عضویت داشتند.

آیا روابط حزب الدعوة با احزاب و سازمان‌های اسلامی اهل سنت هنوز ادامه دارد؟

در حال حاضر بسیاری از رهبران احزاب یاد شده از دنیا رفته‌اند. حزب الدعوة در ابتدای تأسیس یا شیخ تقی الدین النبهانی بنیانگذار حزب التحریر ارتباط برقرار کرد. پس از وفات النبهانی این روابط را با جانشین او عبد الحی زلوم ادامه داد. این روابط این طور نیست که ما با همه دیدگاه‌ها و راهکارهای آنان موافق باشیم. در دهه ششم از قرن بیستم میلادی هنگامی که حزب التحریر کتاب «خلافت» را منتشر کرد حزب الدعوة آن را مورد نقد و بررسی قرار داد. این کتاب بازتاب گسترده در حوزه علمیه نجف اشرف برجای گذاشت و میان رهبران حزب الدعوة و حزب التحریر جدال و بحث‌های گسترده روی داد. روابط شاخه‌های حزب الدعوة در عراق و لبنان و سایر مناطق با حزب التحریر و سازمان اخوان المسلمین خوب و دوستانه بود.

پایگاه اصلی حزب الدعوة در عراق بود روابط این حزب با سازمان اخوان المسلمین عراق چگونه بوده است؟

حزب الدعوة با بسیاری از شخصیت‌ها و اندیشمندان اهل سنت عراق همچون محمود شیت خطاب روابط دوستانه داشته است. فراموش نکنیم که شهید عبد العزیز البدری یکی از کادرهای حزب اسلامی عراق که از احزاب مبارز اهل سنت می‌باشد با کادرهای حزب الدعوة روابط صمیمانه داشت. حزب الدعوة شهید عبد العزیز البدری را از شهدای خود می‌نامد. اصولاً حزب الدعوة یک حزب فرقه‌گرا و طایفه‌گرا نیست. استاد شهیدمان آیت الله سید محمد باقر صدر در



آگاه به طرح‌های سازمان اخوان المسلمین و حزب الدعوة اسلامی در زمینه لزوم برپایی حکومت جهانی اسلام تمایل نشان می‌دادند. اکنون هم بسیاری از روحانیون اهل سنت و طرفدار سازمان اخوان المسلمین مصر و برخی روحانیون جنبش حماس در زمینه برپایی حکومت اسلامی به ایده‌های مذهب تشیع گرایش دارند.

در این میان گرایش جامعه مسلمانان شیعه اغلب سنتی بوده است. بیشتر شیعیان متدین بودند، و از مراجع تقلید حوزه علمیه نجف اشرف همچون آیات عظام سید محسن حکیم و سید ابو القاسم خوبی تقلید می‌کرده‌اند. این در حالی است که افراد آگاه و فعال از طرح‌های حزب الدعوة و دیدگاه‌های شهید سید محمد باقر صدر و شیخ محمد مهدی شمس الدین و سید محمد حسین فضل الله و اسلامگرایان آگاه طرفداری می‌کرده‌اند. حزب الدعوة تشکیلات گسترده‌ای در لبنان داشت. مرحوم شمس الدین و علامه فضل الله قبل از انحلال شاخه لبنانی حزب الدعوة با این حزب موافقتنامه همکاری امضا کردند که در جلسات سالانه شوراها و کمیته‌های حزب الدعوة شرکت

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، هواداران حزب بعث عراق در لبنان فعال شدند و در برابر طرفداران انقلاب اسلامی به ستیزه جویی برخاستند. هواداران انقلاب اسلامی به رهبری شیخ رابعی‌حرب نیز با عوامل حزب بعث به مقابله برخاستند.

نمایند. اما بر اساس این موافقتنامه هیچ مسئولیت سازمانی به آن‌ها واگذار نشده بود.

همکاری و ارتباط حزب الدعوة با جریانات و جنبش‌های اهل سنت مانند اخوان المسلمین تا چه میزان بوده است؟

روابط حزب الدعوة با رهبران اخوان المسلمین لبنان به ویژه با شیخ فتحی یکن و شیخ ابراهیم المصری و شیخ ماهر حمود و رهبران جماعت اسلامی بسیار مستحکم بوده است. همچنین با رهبران اخوان المسلمین مصر همچون عمر التلمسانی و بسیاری از مقام‌های جنبش‌های اسلامی روابط گسترده داشتیم.